

بررسی آرای محاکم کیفری در اعمال مجازات های جایگزین حبس در نظام حقوقی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۰۳)

مهدی حقدادی

دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی و دادستان عمومی و انقلاب شهرستان فریمان

سید سعید موسوی

کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دادستان نظامی کل استان کرمانشاه

افشین صالحی

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل و دادستان عمومی و انقلاب شهرستان جیرفت

مجتبی کنجوری^۱

کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، مدرس دانشگاه

چکیده

مجازات حبس با وجود پیامدهای منفی برای مردم جامعه و دولت سهم بالایی در احکام صادره از سوی دادگاه ها داشته و در عین حال تاثیر چندانی در جلوگیری از تکرار جرم ندارد. مجازات های جایگزین حبس برجسته ترین تلاش برای رفع این نقص محسوب می شود. در تعیین مجازاتهای جایگزین میتوان نظام مجازات را بر اساس شرایط اجتماعی جرایم در نظر گرفت که در این پژوهش به آن نظام مجازات اجتماعی میگویند. مجازات های اجتماعی، مجازات های نظامی است که در آن با در نظر گرفتن شرایط وقوع و نوع جرم، شرایط مجرم و میزان سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و شرایط مجرم، حکم صادر می شود. در این پژوهش به بررسی عملکرد دادگاههای کیفری در اعمال احکام جایگزین حبس در نظام حقوقی ایران پرداخته شده است. در این مطالعه که یک مطالعه کیفی است. در حقوق کیفری ایران اگرچه تدابیر مربوط به جایگزین های حبس و از دوره های قانونگذاری اول پیش بینی شده است. اما این اقدامات انسجام کافی

^۱ نویسنده مسئول

نداشته و برای نهادینه کردن آن در نظام کیفری ایران کافی نیست. اقدامات در حقوق کیفری ایران محدود است و فقط شامل برخی از آنها مانند تعلیق مجازات ، محرومیت از حقوق اجتماعی و همچنین جریمه است .این اقدامات نهادهای خاصی با افسران ویژه هستند و قدرت دارند.

واژگان کلیدی: عملکرد دادگاه کیفری، مجازات های جایگزین ، حبس ، نظام حقوقی ایران



مقدمه

هر جا که جامعه‌ای وجود داشته باشد، حقوق وجود دارد و دولت‌ها وضع مقرراتی را می‌بینند که برای جریان منظم و هماهنگی زندگی اجتماعی مفید باشد، ضروری است که این مقررات به موقع برای کسانی که آنها را نقض می‌کنند، اجرا شود و تضمین‌های اجرای پیش‌بینی شده نیز علیه آنها اعمال شود. شدیدترین این تضمین‌ها جنایی هستند. در روزهای اولیه، ضمانت بسیار سختگیرانه بود، اما این مجازات‌ها تنظیم شد. هدف از مجازات اکنون اهداف انسانی و انسانی است و به ویژه متخلف به عنوان فردی دیده شده است که برای اصلاح و بازسازی خود به کمک نیاز دارد و از آنجا که مجازات می‌تواند علاوه بر هدف فریب و یادگیری و ارباب سازگاری مجدد اجتماعی متخلف و اصلاح‌وی گام بردارد، می‌توان آن را به عنوان یک مجازات سودمند دانست. امروزه حبس در میان مجازات‌ها شایع‌تر است و به عنوان روشی برای اصلاح و بازسازی مجرمین به کار می‌رود، اما مطالعات جرم‌شناسی نشان می‌دهد که "حبس" برای از بین بردن ریشه‌های جرم مفید نیست. گرچه تا مدتی جامعه را از خطر مجرمین و مجرمین محافظت خواهد کرد، گرچه هزینه‌های حیرت‌انگیز اقتصادی نیز محسوب می‌شود، اما پس از آزادی از زندان، مشکلات زندانیان و جامعه آغاز می‌شود. تجربه ناموفق استفاده از زندان به عنوان واکنش اصلی جنایی و ظهور اثرات نامطلوب متعدد، از جمله شکست برنامه‌های اصلاح و درمان جرم. تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور بر بودجه عمومی کشور به ویژه ازدحام جمعیت زندانها به بحرانی در اکثر نظامهای کیفری جهان تبدیل شده است. مجازاتی که ظهور آن وعده مجازات انسانی و موثر را می‌داد، اما بعداً هر دو این ادعاها با گذشت زمان به چالش کشیده شد، یعنی هم انسانیت و هم اثربخشی آن (احمدزاده، ۲۰۱۹). امروزه ازدحام زندان‌ها مشکلات جدی را در همه جوامع به گونه‌ای ایجاد کرده است که دستاوردهای انضباطی، اصلاحی و آموزشی را به طرق مختلف و در بسیاری از کشورهای جهان تضعیف کرده است؛ جمعیت بالای زندان و ازدحام ناشی از آن چیزی جز تحمیل هزینه‌های گزاف برای برهم زدن نظم عمومی زندان، درگیری، اعتصاب، شورش و ثمربخشی نداشته است و مسئولان دستور داده‌اند برای کاهش جمعیت زندان اقداماتی انجام دهند؛ برای تعیین حکم زندان در قالب این طرز فکر، که در مقایسه با هر نوع رفتار جنایی، همچنین به صورت سلیقه‌ای است نه بر اساس منطق علمی و نه حتی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی افراد و اعضای جامعه از یک سو باعث تورم در

جمعیت کیفری زندان ها و از سوی دیگر باعث تورم در جمعیت کیفری زندان ها و از سوی دیگر باعث تورم در جمعیت کیفری زندان ها و از سوی دیگر باعث تورم در جمعیت کیفری زندان بی خانمانی و سرگردانی خانواده زندانیان و سایه افکنی پیامدهای فردی و اجتماعی مجازات. آسیبهای ناگفته ناشی از این مجازات ، اندیشمندان مجرم را به بهبود وضعیت زندانها و اصلاح نظام زندانها سوق داد ، اما این روش به ارتقای سطح زندگی در زندان نیز منجر شد ، اما راه حلی وجود نداشت. در نهایت ، ایده حبس مطرح شد. به طوری که حکم زندان محدود به جرایم جدی و متخلفان خطرناک است و در جرایم سبک از آن جلوگیری میشود و به جای آن از احکام جایگزین استفاده میشود که هم خسارت کمتری وارد میکند و هم هزینههای اقتصادی کمتری ایجاد میکنند.(السان، ۱۳۸۴)

مجازات های جایگزین حبس مجموعه ای از واکنش های جنایی است که همانطور که از این کلمه پیداست می تواند جایگزین مجازات حبس شود. در برخی از اصطلاحات ، مجازات های جایگزین حبس مترادف با مجازات های اجتماعی استفاده می شود ، اما این کاربرد را نمی توان انطباق کامل این دو اصطلاح دانست ، زیرا مجازات اجتماعی یک واکنش رنجی است که به جرم و مجرم اعمال می شود ، که نیاز به محدودیت آزادی و نظارت دارد و فقط شامل واکنش های محدود کننده آزادی است ، اما مجازات های جایگزین حبس نیز شامل مجازات هایی است که نیازی به نظارت و محدودیت است. (جرج ولد و دیگران، ۱۳۸۰)

روند رو به رشد جمعیت زندان ها و افزایش هزینه های نظام زندان و اثبات ناکارآمدی زندان و از همه مهمتر پیدایش مجازات های جایگزین در سایر کشورها نیز محققان ایرانی را به تدوین "لایحه قانون مجازات اجتماعی" با هدف تراکم جمعیت کیفری زندان ها و کاهش هزینه های مجازات آزادی سوق داد که در روند قانونی مصوب سال ۲۰۱۲ تحت عنوان مجازات های جایگزین زندان به قانون مجازات اسلامی پیوست شد. (رستگاری نیا، ۸۴)

بر اساس ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۳، مجازات های جایگزین حبس شامل دوره مراقبت از خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است



که در صورت تصویب شاکی و وجود دستورالعمل های تخفیفی با در نظر گرفتن نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن ، آثار جرم ، سن ، مهارت شخصیت و پیشینه مجرم ، وضعیت مجرم و سایر شرایط در این زمینه نسبت به شرط تصویب شاکی در ماده ۶۴ و اختلاف دادگاه ها : این شماره از رای وحدت شماره ۷۴۶ مورخ ۲۹/۱۰/۲۰۱۶ هیئت عمومی مقررات دیوا در مورد مجازات های جایگزین حبس ، با رعایت فصل ویژه اعمال مواد ۶۵ ۶۶ ۶۸ و ۶۹ قانون فوق ، باید برای چنین استفاده هایی اعمال شود." با وجود تنوع مجازات های جایگزین در قانون مجازات اسلامی سال ۲۰۱۳ ، این مجازات ها در اجرای آن بی اثر مانده اند. دلیل این ناکارآمدی و رویارویی آن با چالشها ، موانع اجرای احکام جایگزین حبس در فرایند قضایی است. یکی از دلایل اصلی عدم اجرای مجازات های جایگزین به اعتقاد منفی قضات در مورد بازدارندگی مجازات های جایگزین بستگی دارد و مجازات های جایگزین در جنبه تنبیهی با ضعف مواجه هستند و یکی از نقاط ضعف این مجازات ها عدم بازدارندگی لازم است ؛ این در حالی است که هدف ارباب در بین قضات بسیار مورد استقبال قرار می گیرد و از دیدگاه بسیاری از مجازات های جایگزین بازدارندگی لازم را ندارد و منافع جامعه و حفاظت از آن را تامین نمی کند (یکنواختی ۲۰۱۸). بررسی ، ملاحظات و انعکاس انتظارات عمومی و همچنین خواص جامعه به دستگاه قضایی واضح است که با اکثر مجرمان ، صرف نظر از نوع جرم ، با حبس برخورد می شود. (ضرابی، ۱۳۷۷)

در برخی موارد مسئولان قوه قضاییه حتی از قوه قضاییه ابراز نارضایتی میکنند و از قوه قضاییه انتقاد میکنند که ما مجرمان را دستگیر میکنیم و آنها را آزاد میکنند ما مردم بد خود هستیم و آنها مردم خوب آنها هستند" این دیدگاه منجر به تغییر و تشدید مجازات در عمل سیاست سختگیرانه نسبت به جرم شده است؛ اصول تناسب ، ثبات و یقین مجازات ها در عمل لطافت و آزادی زود هنگام و تحمل را نسبت به مجرمان نفی می کند و نتیجه آن در قالب اجرای قطعی مجازات ها و افزایش جمعیت زندانی است که توسط برخی مجازات شده است، تأثیر تصمیم گیرندگان حقوقی بر فرهنگ جامع حقوقی صد در صد نخواهد بود و عوامل دیگری نیز وجود دارد که بر فرهنگ حقوقی قضات ، و کلا ، مأموران و قانونگذاران تأثیر می گذارد و این گروه از املاک نیز می توانند فرهنگ حقوقی ویژه ای داشته باشند. یک دهه پیش تصور می شد که نبود قوانین لازم از جمله جایگزین های مجازات زندان ، دلیل اصلی افزایش جمعیت زندان ها است ، در حالی که با ظهور



قوانین جدید ، انتظارات مطرح نشد و جمعیت زندان ما هنوز به طور قابل توجهی کاهش نیافت .(میر خلیلی ، ۲۰۱۶).

بخش اول: مبانی نظری

بند اول: حبس

حبس یک مجازات رایج در نظام حقوقی است. نظام حقوقی اسلام آن را پذیرفته است ، اگرچه آن را به عنوان یک اقدام امنیتی و احتیاطی در کنار عملکرد تنبیهی برای حبس گاه به گاه پذیرفته است. در نهایت باید اذعان داشت که با توجه به کارکردهایی که برای حبس در این نظام در نظر گرفته شده ، حبس بیش از مجازات است و وظیفه تصحیح و درمان را دارد. به خودی خود مطلوب نیست ، بلکه رسیدن به اهدافی است که عمدتاً غیر اصلاحی و درمانی هستند. پذیرفته شد. فقهای حقوقی و کیفری اهداف و کارکردهای مختلفی را برای مجازاتها پیشنهاد کرده‌اند ، قصاص و ادای احترام قربانی از قدیمیترین آنها است ، همانطور که در سخنان ارسطو آمده است: مجازات اول باید مرتکب را در مقابل راضی کند و مرتکب بداند که برای قربانی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. انتقام را می‌توان بهترین مجازات دانست که می‌تواند با کاهش مقدار یا تغییر نوع مجازات تغییر و کاهش یابد. شاید او مرتکب جرم شود. به عبارت دیگر ، هدف ترساندن مانند پیشگیری موقعیتی است و هدف اصلاح مانند پیشگیری اجتماعی است. این چهار هدف مجازات انتقام از ترساندن و اصلاحات است : انتقام گذشته نگر و آینده نگر و ترساندن برای گذشته و ترساندن برای آینده. اگرچه اعتقادات گذشته بر اولویت تابع گذشته بوده است ، اما امروزه بر اولویت تابع آینده بر عملکرد گذشته تأکید شده است. او همچنین ارباب را در میان دو هدف ارباب و اصلاح ترجیح می‌دهد و ایده آل ترین هدف مجازات است. (رستگاری نیا ، ۸۴)

بند دوم: جایگزین حبس

بر اساس قوانین حاکم بر حقوق کیفری ، اسلام آن مجازات هایی که دارای عنوان حد هستند نمی‌توانند تغییر کنند ، کاهش ارزش و پس انداز شوند ، اما آن مجازات هایی که دارای عنوان مجازات هستند می‌توانند تغییر کنند و کاهش ارزش داشته باشند. این به این دلیل است که یکی از قوانین حاکم بر مجازات ،



قانون مجازات است. با توجه به قانون کمیت و نوع حاکم، که هدف دولت در این زمان است. البته حبس محدود و عموماً برخی مجازاتهای محدود را میتوان بر یک اساس تغییر داد و آن این است که این مجازاتها نه به عنوان حکم الهی بلکه به عنوان حکم حکومتی تبیین میشوند. توضیح بیشتر این است که برخی از مجازات ها در آیات و روایات به عنوان قضاوت های الهی بیان شده است. (آشوری، ۱۳۸۲)

بند سوم: نقد و بررسی جایگاه حبس در نظام کیفری ایران

در این قسمت با توجه به آموزه های دینی در زمینه ی حبس به اجمال و اشاره به جایگاه حبس در نظام کیفری ایران می پردازیم.

اندک مطالعه ای در قوانین کیفری نشان میدهد که حبس عمدتاً به مثابه ی مجازات و با هدف عقوبت و سزادهی به کار رفته است. گرچه کارکرد اصلاحی نیز مدنظر بوده است اما عملاً به گونه ای رفتار شده که این کارکرد تأمین نشده مثلاً از ماده ی ۴۹۸ تا ماده ی ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی فقط و فقط صحبت از حبس است. از حداقل سه ماه ماده ی ۵۰۰ در مورد فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تا حداکثر ۲۰ سال (ماده ی ۵۲۶ در مورد جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی). بدیهی است که اصلاح و درمان این نوع مجرمین ۲۰ سال و کم تر از آن ر صوص که در این مورد، میزان جعل اسکناس اصلاً اهمیتی ندارد و قانون گذار برای صرف جعل اسکناس - حتی اگر مبلغی اندک باشد - تا ۲۰ سال حبس پیش بینی کرده است. از ماده ی ۵۳۰ به بعد هم در کنار حبس که گاه تا ۲۰ سال حبس هم دیده می شود ماده ی ۶۵۱ در مورد سرقت) مجازات جریمه ی نقدی و گاه شلاق هم دیده می شود. باز هم تکرار می کنیم که برای اصلاح و درمان نیاز به این همه مدت زندانی کردن مجرم نیست و اصولاً اگر هدف اصلاح و درمان برای حبس مد نظر باشد، باید برای حبس، تعیین شود، هرگاه این هدف تحصیل شد مجرم آزاد شود. بنابراین رویکرد غالب به حبس در نظام ایران برخلاف آن چه رویکرد دینی به حبس است که استفاده می محدود و با هدف رسیدن به اهدافی نظیر منوط بودن استیفای حق به زندانی کردن مجرم و ... است. می باشد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹)

بند چهارم: تعدیل مجازات حبس ابد

اصولاً مجازات ها پس از گذشت زمانی مشخص تعدیل پذیرند الهی چند تعیین این زمان در قوانین و نیز در



عمل مبهم می‌نماید قدر مسلم آن است که امکان تعدیل مجازاتها باید در محکمه‌ای بی‌طرف و مستقل بررسی شود و تصمیم این محکمه قابل فرجام‌خواهی باشد. سؤالی که همیشه در ذهن حقوق‌دانان مطرح می‌شود این است که آیا امکان تعدیل مجازاتهای وضع شده توسط دادگاههای بین‌المللی کیفری، از جمله حبس‌های طولانی مدت به ویژه حبس ابد وجود دارد یا خیر؟ (راجر، ۱۳۸۱)

بند پنجم: تعدیل مجازات حبس ابد در دادگاه‌های بین‌المللی

دادگاه حقوق بشر اروپا نقض مجازات‌ها را در ماده ۵ کنوانسیون شناسایی کرده است. آیا دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا نیز امکان عفو و آزادی زودهنگام در قوانین ۱۲۳-۱۲۵ و ۱۲۴-۱۲۶ از قوانین رویه و شواهد خود را به ترتیب فراهم کرده‌اند؟ هر دو دادگاه احتمال عضویت و آزادی فرد محکوم را در ابتدا منوط به ارائه این امکان در قوانین ملی کشور محل حبس می‌دانند اما تصمیم نهایی فقط توسط رئیس دادگاه اتخاذ می‌شود. این آیین‌نامه‌ها همچنین به احتمال عفو و تخفیف مجازات‌ها در مواد ۲۸ و ۲۷ به ترتیب اشاره دارد، اما هیچ‌گونه تجدید نظر خودکار در مورد مجازات‌ها را فراهم نکرده است. بنابراین، در مواردی که این دادگاهها فردی را به زندان محکوم کنند و در قانون داخلی کشور که حکم در آن اجرا شود، درخواست تجدید نظر خودکار به مجازات‌ها ارائه نمیشود. با دادگاه حقوق بشر اروپا در تضاد خواهد بود. (صدوق، ۱۴۰۶)

در عمل، رویه قضایی دو رویکرد را در این مورد تجربه کرده است: در رویه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، سه نفر از محکومین، راجیو ساراشاگوا و روتاگانیرا، چنین درخواستی را مطرح کردند. در هر سه مورد، تعدیل مجازات رد شد. با این حال، ما در مورد دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق با یک روش پیشرفته‌تر روبرو هستیم و در بسیاری از موارد ریاست دادگاه موافقت کرد که درخواست آزادی زودهنگام کند. چندین شرط مهم برای چنین قراردادهایی وجود دارد، از جمله: نهایی بودن مجازات محکوم شده در دادگاه، بیان محکومیت محکوم، امکان اصلاح برابری در بین محکومین سایر زندانیان نیز در شرایط مشابه حق تعدیل مجازات را دارد (همان، ص ۲۵)



بند ششم: بررسی جایگزین های کیفر حبس در قلمرو نظام عدالت کیفری زنان

مجازات حبس از دههها پیش با انتقادات جدی روبهرو بوده و آثار منفی و پیامدهای نامطلوب حبس در مقایسه با جنبههای مثبت حبس مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در نتیجه تلاش های گسترده ای برای اصلاح و ارتقای نظام زندان صورت گرفته و از سوی دیگر ضمانت های حبس جایگزین در نظر گرفته شده است تا اساساً با توسل به آنها بخش قابل توجهی از مجرمان از ورود به زندان جلوگیری کنند. حقیقت این است که اثرات منفی زندان بر زنان زندانی نسبت به مردان ناخوشایند تر است، اما هیچ یک از این دو در زمینه اصلاح و بهبود زندان ها بر اساس نیازها و الزامات زنان به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است، و نه در ضمانت روش های حبس جایگزین در رابطه با زنان، مطالعات و مطالعات مناسب انجام شده است. شاید یکی از دلایل اصلی این امر این باشد که نسبت کم زندانیان در سراسر جهان بین ۲ تا ۸ درصد متفاوت است. (اندرو کوئل، ۱۲۹)

و باعث می شود زندان ها و سیستم های زندان از نظر معماری، امنیت امکانات و امکانات مختلف بر اساس نیازها و الزامات زندانیان مرد سازماندهی شوند. به نظر می رسد سیاست های ناظر در تدوین و گسترش ضمانت اجرای جایگزین در رابطه با زنان تحت تاثیر این واقعیت قرار می گیرد و موقعیت و ویژگی های خاص آنها آنطور که باید در نظر گرفته نمی شود. بخش حاضر به دنبال تأمل در موضع خاص زنان در برابر مجازات حبس و در نتیجه در برابر گزینههای جایگزین مجازات حبس پس از بررسی کلی گرایشها و دیدگاههای متفاوت نسبت به زنان در دو حوزه جرم شناسی و حقوق کیفری است (علی حسین نجفی آبراند، ۱۳۸۱)

بند هفتم: زن در جرم شناسی

اولین مطالعات در جرم شناسی حول مجرمان مرد بود. با این حال، جنسیت به عنوان یکی از عوامل شخصی جرم و جنایت نمی تواند از نظر جرم شناسان دور نگه داشته شود، و بنابراین در جرم شناسی، زنان به عنوان یک گروه خاص مورد توجه قرار گرفتند. با این حال، توجه ویژه ای به بزهکاری زنان از پایان دهه ۱۹۶۰ و تحت تأثیر مسائل مطرح شده توسط جنبش آزادی زنان بود. (برابری، ۱۳۸۲)



فمینیسم به عنوان یک حوزه بسیار گسترده نظریه پردازی اجتماعی نیز از حوزه جرم شناسی انتقاد کرد. جرم شناسان فمینیستی معتقد بودند که در جرم شناسی سنتی، تعدادی از مسائل مربوط به زنان نادیده گرفته یا تحریف شده است، اما برخی از انتقادات آنها نیز با اشاره به غفلت محض محققان جرم شناسی از موضوع زنان در پرتو تسلط جنس مرد بر مباحث نظری در این زمینه، تندتر بود یکی دیگر از روش های انتقاد از سوی جرم شناسان فمینیستی نظارت بر کنترل کارمندان مرد بر سیستم کیفری در سطوح مختلف قضات، وکلا، مشاوران حقوقی مقامات زندان و پلیس بود. (علی حسین نجفی آبراند، ۱۳۸۱)

آنها معتقدند که سیستم عدالت کیفری توسط مردان در هر دو تحقیق و نظریه پردازی و عمل تحت سلطه قرار گرفته است. ۱۴۳ تلاش جرم شناسان برای توضیح بزهکاری زنان با توجه به دو دیدگاه متمایز سازماندهی شد که به نوعی تحت تأثیر تمایز بین دو مفهوم جنسیت و جنسیت قرار گرفت. از یک طرف، علوم مختلف مانند زیست شناسی به طور مداوم روش های فیزیکی و فیزیولوژیکی زنان را نشان می دهند، به عنوان مثال نشان می دهد که تغییرات هورمونی یا تغییرات مانند بلوغ یا اضطراب یائسگی زنان را آسیب پذیرتر می کند. برخی از جرم شناسان همچنین سعی کردند از این یافته ها برای توضیح جرم زنان بر اساس دیدگاه بیولوژیکی استفاده کنند. از سوی دیگر، طرفداران دیدگاه های جامعه شناختی که زمینه گسترده ای از مطالعات جرم شناسی بزهکاری زنان را اشغال کرده بودند، تلاش کردند، بنابراین ماهیت بزهکاری زنان باید در موقعیت ها و موقعیت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد مطالعه قرار گیرد و خشونت شایع علیه زنان و وضعیت نامطلوب خانواده از نظر اقتصادی همیشه باید به عنوان یک پیش شرط اساسی برای هر گونه رفتار جنایی زنان در نظر گرفته شود. جنبش های فمینیستی علاوه بر حوزه عمومی بزهکاری در موارد وضعیت زنان در زندان. آنها توجه نشان داده اند و تا حدودی بر آن منطقه تأثیر گذاشته اند. (زکریا شهلا، ۱۳۸۳)

دو نکته قابل توجه در زمینه جایگاه زنان در جرم شناسی از نظر موضوع این مقاله وجود دارد. اول اینکه زنان در جامعه آسیب پذیرتر از مردان هستند. دانشمندان جنایی در آثار خود عمدتاً زنان را موجودی آسیب پذیر در برابر جنایات و خشونت های مردانه می دانند. برخی مطالعات معاصر در مورد جرایم زنان نیز نشان داده است که درصد بسیار بالایی از مجرمان زنانی هستند که تنها سرپرست خانواده محسوب می شوند. برای



اطلاعات بیشتر، فصل نه کتاب هزاره سوم ما را ببینید، "آیا آینده ای فمینیستی برای زندان های زنان وجود دارد؟" این نشان می دهد که زنان در مدیریت خانواده دشوارتر هستند. به عنوان مثال، مشخص شده است که اکثر زنانی که جنایات جزئی مربوط به امنیت اجتماعی یا کلاهبرداری یا سرقت را مرتکب می شوند، موارد فوق را نه به خاطر خود بلکه برای محافظت از کودکان و وابستگان انجام می دهند، که نشان می دهد چنین زنانی نتوانسته اند نیازهای خانواده ی سرپرستی خود را از طریق شیوه های قانونی و معمول برآورده کنند. برخی از نویسندگان به زنانه شدن فقر در جهان و سهم هفتاد درصدی زنان و کودکان در مراقبت از جمعیت فقیر ۱.۳ میلیارد دلاری جهان اشاره کرده اند. و این یکی از مهم ترین عواملی است که زنان را به سمت باند های قاچاق انسان می کشاند به امید تضمین اقتصاد خانواده هایشان. (همان، ص ۴۸)

دوم اینکه به دلیل نقش بسیار مهم زنان در تربیت فرزندان، هر گونه آسیب پذیری زنان زمینه ساز آسیب پذیری فرزندان آنها خواهد بود. برخی تحقیقات در غرب نشان داده است که کودکان با مشکلات رفتاری مختلف مراقبت کامل و مناسب مادر را دریافت نکرده اند. همچنین باید به آسیب پذیری فرزندان چنین زنانی توجه کرد که حقیقت تلخ این است که کودکان زن بیشتر از کودکان مرد آسیب می بینند. تحقیقات در ایالات متحده نشان داده است که دختران نسبت به پسران در برابر خانواده های شکسته آسیب پذیرتر هستند. (ظفری، ۱۳۷۷)

نتیجه گیری

زندان مهمترین و اصلی ترین وسیله دفاع اجتماعی در پیشگیری از وقوع جرم و دور نگه داشتن مجرمان از محیط اجتماعی است اما با گذشت زمان و عدم اصلاح مجرمان از حبس به این نتیجه رسید که در برخی از جرایم و در نتیجه مجرمان آن مجازات جایگزین حبس تعیین می شود. در نتیجه کارشناسان و وکلا در ایران حذف نشده اند و قوانین و تدابیری را برای جایگزینی مجازات ها با حبس اتخاذ کرده اند. معیار مناسب برای تصویب یک قانون اجرای آن به بهترین شکل است. برای اجرای مطلوب ترین این قوانین، چالش ها و موانع نیز وجود دارد. باید تشخیص داده شود و بررسی شود و باید مورد توجه قرار گیرد و باید مورد توجه قرار گیرد و باید مورد توجه قرار گیرد. اکنون نتایج این مطالعه نشان می دهد که موانع



اصلی اجرای مجازات جایگزین وجود موانع اقتصادی است. سیاسی و فرهنگی است و تاکنون برخی مجازاتهای جایگزین ارائه نشده و استفاده از آنها به حداقل رسیده است. توجه به پرونده شخصیت بسیار متزلزل است، هم در مراحل قانونی و هم قضایی و اجرایی. تجزیه و تحلیل نظرات صادر شده نشان می‌دهد که قضات بیشتر علاقه مند به اعمال جریمه هستند تا در میان انواع جایگزین های حبس. به نظر می‌رسد که ارزش دارد که دیدگاه های قضایی را به سمت مجازات های جایگزین جدید، از جمله دوره مراقبت از خدمات عمومی، جریمه های روزانه، سیستم نیمه آزادی و تعویق حکم، جلب کنیم. این نیاز به قضاوت علمی دارد. لازم است که قضات مجازات های جایگزین حبس جدید را توضیح دهند و آموزش دهند. دلایل دیگر موانع اجرای جایگزین حبس، ترس از به خطر انداختن نظم عمومی و امنیت جامعه است. برای افرادی که مجازات جایگزین محسوب می‌شوند، یک تحلیل کامل شخصیت توسط دادگاه صادر کننده انجام می‌شود. به عنوان مثال، جنایات اقتصادی مانند اختلاس، نظامی یا جنایات منافع یا جنایات جایگزین نباید صادر شود، زیرا این باعث ترس و ناامنی در جامعه و پیامد می‌شود امنیت آن اعتماد سیستم قضایی را مختل می‌کند. به طور کلی طبق مطالعات و تحقیقات انجام شده حتی در ایران مجازات حبس در جرم انگاری و مجازات مجرمان رسالت و اهداف را اعمال نمی‌کند و به نظر می‌رسد مجازات حبس فقط باید به عنوان ضمانت اجرایی استثنایی مورد استفاده قرار گیرد. آمار و مطالعات انجام شده در برخی کشورها نشان می‌دهد که خود حکم زندان در دستیابی به اهداف اجرایی موفق تر بوده است. زیرا پیش بینی مجازات های جایگزین تضمین اجرای قانون و پایان عدالت را متنوع می‌کند، اما همچنین اصلاحات اجتماعی و بازسازی بیشتر مجرم را فراهم می‌کند. امروزه روشن است که قانونگذاری نامناسب با مشکلات فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در دستگاه قضایی تکمیل می‌شود و برخلاف انتظار و برخلاف اصول اساسی حقوق کیفری، فضا به مجازات های جایگزین حبس و سایر پاسخ های اصلاحی و درمانی بسیار محدود است. شاید مشکلات اصلی حقوقی در ایران متأثر از نحوه عملکرد قوه قضاییه در حقوق کیفری ایران باشد، هرچند تدابیری مرتبط با جایگزین های مجازات زندان و از دوره های قانونگذاری اول پیش بینی شده است. اما این اقدامات انسجام کافی نداشته و سیاست کیفری مشخصی برای نهادینه کردن آن در نظام کیفری ایران وجود ندارد. این اقدامات در حقوق کیفری ایران محدود بوده و تنها شامل برخی از آنها مانند تعلیق اعدام، آزادی مشروط، تبدیل مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و همچنین جریمه ها می‌شود. در قوانین کنونی ایران برای



اجرای این اقدامات نهادهای خاصی با مأموران ویژه و با اختیارات خاصی پیش بینی نشده است. در حالی که سایر روش های جایگزین مانند خدمات عمومی، جریمه های روزانه و غیره می تواند تنوع بیشتری به این سیاست اضافه کند و به رعایت اصل تناسب و فردسازی مجازات کمک کند. اما در سال های اخیر، نظام عدالت کیفری ایران تحت تأثیر فقه اسلامی و حقوق مقایسه ای و همچنین حبس و تجدید نظر در راه حل های آن قرار گرفته است.

• پیشنهادات:

اما اجرای موفق برنامه های بازداشت های جایگزین در ایران مستلزم استفاده از راهکارها و پیشنهادهایی است که مهمترین آنها را میتوان به شرح زیر ارائه کرد:

۱. در ق.م. ... ۱۳۷۰ در زمینه گزینهای چو ن تعلیق اجرای مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی و آزادی مشروط، مشکلات و نواقص مشاهده شد که باید مورد بررسی قرار گیرد. قوانین کیفری ایران به عنوان مثال قانون مجازات و بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ نیز باید به منظور اصلاح سیاست حبس محوری اصلاح و بازنگری شود. اجرای قانون جدید و تصویب قوانین و موانع جامع در زمینه جایگزین های حبس به منظور پر کردن خلاء قانونی موجود ضروری است.

قوه قضاییه و سایر نهادهای مسئول باید چارچوبی مناسب و مفید را از طریق فرهنگ به عنوان نمونه، توجیه و تبیین برنامه های جایگزین زندان برای قضات از طریق برگزاری جلسات و دوره های آموزشی، اطلاع رسانی به مردم در مورد نقص زندان و عملکرد مفید نهادهای جایگزین زندان از طریق تهیه فیلم، برنامه های تلویزیونی و غیره فراهم کنند. از آنجا که اجرای بسیاری از این اقدامات مانند خدمات مبتنی بر جامعه نیازمند مشارکت و همکاری مردم و نهادهای جامعه است، فرهنگ سازی باید مهمترین شرط لازم برای اطمینان از موفقیت برنامه های جایگزین و همچنین نقش رسانه ملی در حوزه فرهنگ سازی تلقی شود و ایجاد روحیه مراقبت از خود نقش بسیار کلیدی و مهمی است.

قانون نظارتی و مراقبتی اجرای احکام جایگزین حبس در قانون جدید را در چارچوب نهادها و نهادهای



متولی مراقبت ، تعیین حدود وظایف و اختیارات این نهادها پیشینی میکند. قوه مقننه باید به منظور حفظ خانواده و نگاه ویژه به این بخش از متخلفان ، جایگزین های جداگانه و مناسب برای وضعیت زنان ارائه دهد. رفع خلاء قانونی برای جایگزینی حبس ابد و تصویب قوانین جامع و شفاف در این زمینه همانطور که گفته شد سکوت قانونگذار در این زمینه توجیه پذیر نیست. تجربیات و مطالعات موفق در سایر کشورهای جهان باید در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد. البته ، از آنجا که مجازات های جایگزین حبس دارای ویژگی های مهم اجتماعی و فرهنگی است. واقعیتهای فرهنگی و اجتماعی ایران باید در استفاده از تجربیات سایر کشورها مورد توجه قرار گیرد تاسیس نهادی به نام سازمان تعلیق مراقبت نقش بسزایی در اجرای احکام جایگزین حبس در ایران خواهد داشت. همانطور که برای همه روشن است واگذاری همه مسئولیتها به نیروی انتظامی سیاست کیفری درستی نیست و با ایجاد تشکلهای مراقبتی پلیس ، نیروی انتظامی وظیفه اصلی خود را که تامین امنیت مردم است ، انجام خواهد داد.



منابع و مآخذ

- ۱- اعزازی شهلا نقش اجتماعی زن در چالش دو دیدگاه حوزه عمومی و خصوصی خانواده پی صنعتی یا صنعتی؟ در کتاب «زن و فرهنگ مقالاتی در بزرگداشت یکصدمین سال تولد بانو مارگارت مید، به کوشش میرشکرایی، محمد و علیرضا حسن زاده، نشر نی چاپ اول ۱۳۸۲
- ۲- السان، مصطفی قاجاق زنان و کودکان برای بهره کشی، جنسی فصلنامه رفاه اجتماعی سال چهارم شماره ۱۶ بهار ۱۳۸۴
- ۳- جزایری علیرضا و مژگان صلواتی سیاست اجتماعی و خانواده فصلنامه رفاه اجتماعی سال سوم شماره ۱۰ ویژه نامه سیاست اجتماعی
- ۴- جرج ولد و دیگران؛ جرم شناسی نظری گذری بر نظریه های جرم شناسی)، ترجمه علی شجاعی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) چاپ اول، زمستان سال ۱۳۸۰
- ۵- حجازی قدسیه بررسی جرایمزن در ایران شرکت سهامی انتشار ۱۳۴۱
- ۶- ریسی، مهدی، کنوانسیون زنان بررسی فقهی و حقوقی الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نشر نسیم قدس چاپ اول ۱۳۸۲
- ۷- رستگاری نیا ژیلا مطالعه جرایم زنان نشریه اصلاح و تربیت سال چهارم مهر ۸۴ شماره ۴۳
- ۸- زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله ها نتایج کارگروهها و اسناد نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده؛ انجمن ایرانی حقوق جزاء نشر سلسبیل، چاپ اول ۱۳۸۴ سمنگالن مارتین، جامعه شناسی تاریخی خانواده ترجمه حمید الیاسی نشر مرکز چاپ اول ۱۳۷۰
- ۹- شیخی، محمدتقی جامعه شناسی زنان و خانواده شرکت سهامی انتشار چاپ اول ۱۳۸۰
- ۱۰- مشیرزاده، حمیرا، مقدمه ای برای مطالعات زنان دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی



معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چاپ اول ۱۳۸۳

۱۱- ضرابی، میترا، قانون در برابر غول فقر: آسیب شناسی حقوقی و اجتماعی جرم زایی فقر، نشر ویستار

چاپ اول ۱۳۷۷

۱۲- کاظمی، پروین نشریه علوم تربیتی و اصلاح تربیت، شماره ۷۶، ۱۳۸۶

۱۳- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی جلد ۲، اول، تهران، میزان ۱۳۷۷

۱۴- آشوری، محمد جایگزینهای زندان یا مجازاتهای بینابین تهران، نشر گرایش ۱۳۸۲

۱۵- قرآن کریم ترجمه حسین انصاریان، قم، آیین دانش، ۱۳۸۰

۱۶- جمعی از پژوهشگران تاریخچه، زندان ترجمه و تحقیق محمد رضا گودرزی، تهران میزان

۱۳۸۴ (دیاچه ویراستاران)

۱۷- حاجی ده آبادی، احمد قواعد فقه جزائی، جلد ۲، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹

۱۸- حمیری، عبدالله ابن جعفر قرب الاسناد، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ ق.

۱۹- خوبی، سید ابو القاسم، البیان، ج ۴، بیروت، دارالزهراء ۱۳۹۵ ق.

۲۰- راجر ماتیوس و پیتر، فرانسیس زندانها در هزاره سوم ترجمه لایلا، اکبری اول تهران، راه تربیت، ۱۳۸۱

۲۱- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الفقیه من لا یحضره الفقیه، ج ۴، اول، بیروت، موسسه الاعلمی،

۱۴۰۶ ق.

۲۲- طبسی، نجم الدین موارد السجن فی النصوص و الفتاوی دوم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز

النشر، ۱۳۷۴

۲۳- طوسی، محمد بن حسن تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ج ۳، بیروت دارالاضواء، ۱۴۰۶ ق.



۲۴، ظفری، محمدرضا مبانی عدالت جزایی تهران امیر کبیر، ۱۳۷۷.

۲۵- عباسعلی محمودی زبان، زندان، تهران، انتشارات حقوقی، ۱۳۸۸

۲۶- کلینی، محمد بن یعقوب الفروع من الکافی، ج ۷، ج ۳، تهران، دار لکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷

۱- Tokyo Tribunal (Mulgrew.۲۰۰۹:۳۷۶:joseph.۲۵۲-۲۵۵)

۲- Stanislav Galic. Major General in the Bosnian Serb Army. Judgment. Galic (IT - ۹۸-۲۹-A),

Appeals Chamber. ۳۰ November ۲۰۰۶; Milan Lukic. A paramilitary leader. Judgment. Lukic & Lukic (IT - ۹۸-۳۲/۱-T). Trial Chamber. ۲۰ July ۲۰۰۹.

۳- Body of Principles for the Protection of All Person under Any form of Detention or Imprisonment.

۴- Basic Principles for the Treatment of Prisoners. (G.A.Res. ۴۵/۱۱۱.۱۴ December ۲۹۰) ۵- Cf. Judgment Krstic (IT-۹۸-۳۳-A), Appeals. ۲ April ۲۰۰۴; Judgment Rutaganda (ICTR-۹۶-

۳-A) Appeals Champer, ۲۶ May ۲۰۰۳)

۶- Blagojevic and Jakic (IT-۰۲-۶۰-T), Trial Champer. ۱۷ Janury ۲۰۰۵. Judgment in Sentencing Appeals. Tadic (IT-۹۴-۱-T and IT-۹۴-۱ Abis). Appeals Champer. ۲۶ Janury ۲۰۰۰: Sentncing Judgment. Erdemovic (IT-۹۶-۲۲-T), Trial Champer. ۲۹ Nove,ber ۲۹۹۶.

۷- Weeks v. the Kingdom. ECIHR (۲ March ۲۸۷). Appl. No.۹۷۸۷/۸۲: Stafford v. the United



Kingdom. ECIHR (٢٨ May ٢٠٠٢). Appl. No. ٤٦٢٩٥/٩٩: Waite v. the United Kingdom. ECihr

(١٠ december ٢٠٠٢). Appl No. ٥٣٢٣٦/٩٩: Kafkaris v. Cyprus, ECIHR (١٢ February ٢٠٠٨). Appl. No. ٢٢٠٦/٠٤

٨- Kafkaris v. Cyprus, supra note ٣٣

٩. Leger v. France. ECiHR (١١ April ٢٠٠٦.) Appl. No. ٢٣٢٤/٠٢

١٠- Stafford v. the United Kingdom. ECiHR (٢٨ May ٢٠٠٢). Appl. No. ٤٦٢٩٥/٩٩

١١- M. v. Germany, ECHR (١٧) December ٢٠٠٩). Appl. No. ٢٣٥٩/٠٩

١٢- Ninth Report on the Draft Code Crimes Against the Peace and Security of Mankind (٢٩١) ٢

(١) Y.B. int L. Comm.n ٣٧-٤٤. U.N.Doe A/CN. ٤/٤٣٥. And add I.